

نشست سران ۲۰ کشور صنعتی در لندن در یک نگاه!

باصطلاح عرضه "بسته های تحریکی" برای اقتصاد جهانی، حجم بازرگانی جهانی در آینده ای نه چندان دور حدود ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت و شمار بسیار زیادی از دولتها با کسری بودجه های بیسابقه و باور نکردنی روبرو خواهند شد و رقم بیکاران با رشدی تصاعدی به ۵۱ میلیون تن خواهد رسید. در چنین شرایطی است که سران "جی ۲۰" از تشکیل یک "نظام نوین بین المللی" دم زده و اینطور جلوه می دهند که گویا با تشکیل اجلاس مزبور در صدد ایجاد شرایطی برای بهبود زندگی میلیاردها انسان زحمتکش و محروم در سطح جهان می باشند. اما مصوبات کلیدی این نشست خلاف این ادعا را ثابت می کند.

از جمله مصوبات کلیدی نشست سران "جی ۲۰" توافق برای "تزریق ۱۰۰۰ میلیارد دلار به صندوق بین المللی پول" این نماد باز غارت و استثمار خلقهای تحت ستم، تأکید بر "حمایت" از صاحبان صنایع در حال ورشکستگی و ایجاد برخی محدودیتهای در جایجایی سرمایه ها و... می باشند که همگی آنها بار دیگر و بروشنی نشان می دهند که علیرغم تبلیغات عوامفریبانه سران ۲۰ کشور صنعتی، هدف اصلی نشست "جی ۲۰" همانا تضمین منافع مشتری از انحصارات بین المللی و دولتها می باشد و نه اندیشیدن به راه حلی بمنظور تخفیف فقر و بیکاری و گرسنگی و آلام میلیاردها تن از رنجبران جهان.

صفحه ۲

روز پنجشنبه ۲ آپریل ۲۰۰۹ نشست نمایندگان قدرتهای بزرگ سرمایه داری موسوم به "جی ۲۰" برای چاره جویی جهت مقابله با رکود اقتصادی بی سابقه گریبانگیر نظام سرمایه داری، در میان تدابیر شدید امنیتی در انگلستان برگزار شد. برگزارکنندگان و گردانندگان این نشست و در راس آنها رهبران آمریکا و انگلیس، کوشیدند تا ضمن گرفتن پز حمایت از مردم، از این نشست به عنوان یک نقطه عطف "تاریخی" و زایش یک "نظام نوین بین المللی" نام ببرند که گویا پایانی بر رنجها و محرومیتهای میلیاردها انسان زحمتکش و محرومی خواهد گذارد که در زیر سلطه این نظام جهنمی و استثمارگرانه حیات و هستیشان هر روز بیش از قبل در تنور آزمندی مشتری سرمایه دار رذل و غارتگر می سوزد و نابود می شود.

نشست مزبور در شرایطی برگزار شد که موجی از یک رکود کم سابقه و بحران اقتصادی عمیق تارو پود نظام ارتجاعی امپریالیستی در سراسر جهان را درنور دیده است. بزرگترین قدرتهای اقتصادی در چهارگوشه دنیا با سقوط صنایع کلیدی اقتصادی، ورشکستگی سیستماتیک بانکها و موسسات مالی، سقوط بازارهای سهام و کاهش و توقف رشد اقتصادی روبرو شده و به موازات آن با یکی از گسترده ترین امواج اعتراضی توده های استثمار شونده و محروم مواجه شده اند. برعکس تبلیغات فریبکارانه شرکت کنندگان در این نشست کارشناسان اقتصادی نظام جهانی سرمایه داری پیش بینی کرده اند که با وجود

تداوم مقاومت خانواده های زندانیان

سیاسی در مقابل جمهوری اسلامی

در آستانه بهار و فرارسیدن نوروز، وقوع دو رویداد مبارزاتی در جامعه تحت سلطه ما بار دیگر چهره زشت و ارتجاعی دیکتاتوری حاکم و شدت سرکوبگری بی حد و حصر جمهوری اسلامی را به عینه در مقابل انظار توده های تحت ستم به نمایش گذارد و در همان حال بر تداوم مقاومت و پایداری روحیه مبارزاتی توده های آگاه و دلیر ما بر علیه دشمنانشان تأکید نمود.

نخستین رویداد، مربوط به انتشار نامه سرگشاده "خانواده های اعدام شدگان دهه ۶۰" می باشد که در جریان آن تعدادی از خانواده های جان باختگان دهه ۶۰ بار دیگر صدای اعتراض و حق خواهی خود را نسبت به حمام خونی که جمهوری اسلامی با قصابی ده ها هزار تن از بهترین فرزندان کارگران و زحمتکشان برای تحکیم نظام دیکتاتوری خویش بلند کردند و با شجاعت و یگانگی اعلام نمودند که برغم خواب و خیال مرتجعین جنایتکار حاکم از پا ننشسته و نمی گذارند تا جلاخان، پیام و صدای جگرگوشگان شان را همچون پیکر آنان در زیر خاک مدفون سازند. در این نامه تکان دهنده با استناد به تلاش جدید رژیم جمهوری اسلامی در تخریب گلزار خاوران آمده است: "بار دیگر حمله به گورستان خاوران مرده های ما را در گور لرزاند. این اولین بار نیست و هیچ ضمانتی نیست که صفحه ۲

تشدید پناهنده ستیزی دولتهای اروپایی

روند تشدید اعمال سیاستهای پناهنده ستیز و غیر انسانی در کشورهای اروپایی همچنان ادامه دارد و ایرانیان پناهجو و مهاجر نیز از تأثیرات مخرب مادی و روانی این سیاستها در امان نیستند. مطابق آماري که اخیرا توسط دولت آلمان انتشار یافته، در سال ۲۰۰۸، حداقل ۶۵ پناهجوی ایرانی مقیم آلمان توسط دولت این کشور اخراج و با سرنوشتی نامعلوم به کشورهای بازگردانده شده اند که از آنجا به آلمان وارد شده بودند. این رقم نسبت به سال گذشته افزایشی حدودا ۲۰ درصدی در تعداد دبیورتهای پناهجویان ایرانی از آلمان را نشان می دهد. در رابطه با ایران این برخورد درحالی صورت می گیرد که بدلیل سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی بر علیه توده ها و تشدید معضلات اقتصادی دامنگیر آنها، دامنه فرار از جهنم جمهوری اسلامی بویژه در میان قشر جوان هر چه گسترده تر شده است. همچنین این وضع در شرایطی است که نام جمهوری اسلامی هر سال با تأکید بیشتری به عنوان یکی از مظاهر بارز دیکتاتوری و نقض حقوق بشر در لیست نهاد های بین المللی باصطلاح مدافع حقوق بشر قید می گردد. علاوه بر آلمان، در انگلستان نیز مقامات این کشور در سالهای اخیر با وضع قوانین شدیداً ارتجاعی و سرکوبگرانه، فشار بر پناهجویان را تشدید کرده و در صددند تا پذیرش مهاجرین و پناهندگان را در حد امکان تقلیل و صفحه ۲



امروز حتی فریکارترین و خوشبین ترین ایدئولوگهای بورژوازی انکار نمی کنند که سرمایه داری هم اکنون با بزرگترین بحران خود پس از بحران مرگبار دهه ۱۹۳۰ روبرو است. با توجه به چنین واقعیتی، سرمایه داران و دولتهای استثمارگر مدافع منافع طبقاتی آنان امروز بیش از هر وقت دیگر با سرعت جنون آسایی می کوشند تا آنجا که می توانند بار این بحران ویرانگر اقتصادی-که ذاتی نظام استثمارگرانه و ارتجاعی بورژوازی است- را بردوش کارگران و زحمتکشانشان خود و همچنین از طریق دولتهای وابسته و مزدور در کشور های تحت سلطه بر دوش خلقهای تحت ستم این کشورها سرشکن سازند. آنها می کوشند به این وسیله ضمن تشدید استثمار طبقات محروم و با مکیدن شیره جان آنان و غارت وحشیانه تر ثروتها و منابع طبیعی کشورهای تحت سلطه از کاهش نرخ سود خویش جلوگیری کنند.

در نتیجه اعمال چنین سیاستی ست که ما می بینیم از یک سو هر روز طیف وسیعتری از کارگران زحمتکش در کشورهای صنعتی سرمایه داری بیکار و بی خانمان می شوند و از دامنه محدود خدمات و سرویسهای بهداشتی و تامین اجتماعی در این کشورها نیز کاسته می گردد و از سوی دیگر امر غارت دسترنج و ثروتهای خلقهای تحت ستم در کشورهای وابسته هر چه بیشتر تشدید شده و منابع مالی این کشورها توسط حکومتهای وابسته و ضد خلقی به طرق مختلف از جمله قرار دادهای نظامی نهایتا به

جیب امپریالیستها در کشورهای متروپل سرازیر می گردد.

قدرتهای بزرگ سرمایه داری همچون آمریکا، انگلیس، روسیه، فرانسه، چین و آلمان به همراه شماری دیگر از دولتهای سرمایه داری مجموعا بیش از ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی جهان را در اختیار دارند. درست به خاطر حفظ سیستم استثمارگرانه و ظالمانه سرمایه داری است که امروز رهبران این قدرت ها در آن کنفرانس جمع شده و مصوباتی را ارائه می دهند که نتیجه عملی آن چیزی جز فشرده شدن هر چه بیشتر گلوئی کارگران و خلقهای ستمدیده در سراسر دنیا توسط پنجه های خونین انحصارات بین المللی و در راس آنها نهاد های خونخواری نظیر صندوق بین المللی پول نیست و نخواهد بود.

مسلم است که طبقات حاکم به هیچ وجه نه می توانند و نه می خواهند که گامی در جهت حل بنیادین معضلات نظام سرمایه داری و منجمله بحرانهای اقتصادی ای بردارند که به گونه ای اجتناب ناپذیر گریبان این نظام را می گیرد و حیات و هستی میلیونها کارگر و زحمتکش را در آتش خود می سوزاند. آنها قادر به چنین کاری نیستند، چرا که لازمه چنین اقدامی در درجه اول سلب قدرت از خود آنها و به مالکیت اشتراکی در آوردن ثروتهای نجومی ای ست که آنها با استثمار و غارت طبقات تحت ستم جمع کرده اند. اگر چه رهبران قدرت های بزرگ اقتصادی در اجلاس اخیر خود ادعا کردند که به منظور نجات توده های تحت ستم از عواقب بحران اقتصادی مرگبار کنونی در صدد چاره جویی های اساسی می باشند، اما بنا به دلایل توضیح داده شده فوق، نشست موسوم به "جی ۲۰" در لندن و تصمیمات و تبلیغات متعاقب آن حول "راه حل" ها و معجزات این کنفرانس برای چاره جویی در مقابل بحران اقتصادی عمیق و گسترده ای که تار و پود نظام سرمایه داری

جهانی را درنور دیده است، پیش از هر چیز ناتوانی و ماهیت ضد مردمی سرمایه داران استثمارگر بین المللی و دولت مردان آنها را بار دیگر به نمایش گذارد.

این را هم باید اضافه کرد که برخورد به نشست اخیر کشورهای "جی ۲۰" و ادعاهای آنها، تمام تصویر واقعی رویدادهای اخیر را منعکس نمی کند. بخش دیگر این تصویر در قدرتی تجلی یافت که در چند کیلومتری قلعه و باروی محل برگزاری این نشست در فریاد اعتراض منتقدین سرمایه داری بروز یافت. جایی که ده ها هزار تن از کارگران و مردم آگاه و مبارز با فریادهای "انقلاب، انقلاب!"، پیکره های بانکداران و سیاستمداران بورژوازی به مثابه سمبلهای این نظام استثمارگرانه را آتش زدند و بر علیه سرمایه داری، جنایات و نمایندگان آن شعار دادند. و همین فریادها درست چند روز بعد در فرانسه و آلمان با قدرتی بیشتر در جریان شورش قهرآمیز مردم بر علیه نشست بازوی نظامی سرمایه داران یعنی ناتو در فرانسه پژواک شد.

نگاهی گذرا به برگزاری نشست "جی ۲۰" در لندن و حوادث متعاقب آن نشان دهنده ظهور دوباره چهره "آقای واقعیت" است که با نشان دادن پوسیدگی و بی آیندگی سیستم ضد مردمی موجود، یکبار دیگر پوچی تمامی ادعاهای دولت مردان امپریالیست و ایدئولوگهای نظام استثمارگرانه بورژوازی مبنی بر "پیروزی" و "جاودانگی" این نظام را در افکار عمومی به نمایش گذارده و نشان می دهد که اتفاقا مانع اصلی پیشرفت و ترقی در جامعه کنونی همانا سلطه نظام جابرانه سرمایه داری است که باید هر چه زودتر بدست کارگران و توده های ستمدیده از صحنه گیتی حذف شود.

تشدید پناهنده ستیزی ... از صفحه ۱

حتی به "سطح صفر" برسانند. این سیاست ضد مردمی بر وضعیت پناهجویان ایرانی نیز تأثیرات گسترده ای داشته است. کوتاه ساختن چشمگیر پروسه تقاضای پناهندگی و محدود کردن و سلب حق استیناف نسبت به تصمیم های وزارت کشور، از جمله اقدامات سختگیرانه و غیر انسانی دولت انگلستان در حق پناهجویانی است که به امید حفظ جان خویش و یا پیدا کردن یک زندگی حداقل انسانی به این کشور وارد و درخواست پناهندگی می کنند. همچنین در نتیجه گسترش سیستم کنترل کامپیوتری در بین کشورهای اتحادیه اروپا که با هدف تشدید کنترل پناهجویان و سیاست تبادل اطلاعات راجع به مشخصات متقاضیان پناهندگی صورت گرفته است، در ماه های اخیر تعداد زیادتری از پناهجویان و منجمله پناهجویان ایرانی از انگلستان اخراج شده اند.

دولتهای امپریالیستی که همزمان با غارت و استثمار نیروی کار و منابع و ثروت های طبیعی خلقهای تحت ستم با پشتیبانی و حمایت از نظامهای دیکتاتوری در جوامع عقب نگهداشته شده عامل اصلی مهاجرت و پناهندگی قربانیان خود در این نظامها هستند، با سیاستهای پناهنده ستیزانه و ضد خلقی خویش می کوشند که فشارهای هر چه بیشتری را بر مهاجرین و پناهندگان ساکن در کشورهای خویش وارد آورند. اما از سوی دیگر، تشدید روزافزون فقر و فلاکت، جنگ و بیکاری و استثمار و تداوم سرکوب توده ها توسط رژیمهای مرتجع و وابسته به امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه، سالانه میلیونها تن از مردم را به امید یافتن مکانی برای حفظ جان خویش و رفع حداقل نیازهای طبیعی یک زندگی انسانی در جستجوی پناهندگی و مهاجرت به سوی کشورهای صنعتی سوق می دهد.

سیاستهای پناهنده ستیزی و ضد مهاجر در کشورهای اروپایی و آمریکایی در سالهای اخیر بر بستر رشد و تعمیق بحران اقتصادی گریبانگیر نظام سرمایه داری در سطح جهانی (که بخشا نیاز سرمایه داران زانو صفت به نیروی کار ارزان مهاجرین و پناهندگان را کمتر می سازد) گسترش هر چه بیشتری یافته است. بطوری که روزی نیست که در اروپا و آمریکا شاهد تصویب قوانین سرکوبگرانه و غیر انسانی و اعمال محدودیتهای و فشارهای گوناگون بر علیه پناهجویان و مهاجرین باشیم. واقعیتی که هر چه بیشتر ادعای فریبکارانه گردانندگان نظام سرمایه داری و پوچ بودن شعارهای دولتهای امپریالیستی راجع به "احترام به حقوق بشر" در نظام سرمایه داری را در افکار عمومی به معرض نمایش می گذارد.



آخرین بار باشد." در ادامه این نامه ضمن اشاره به گوشه کوچکی از جنایات دیکتاتوری حاکم بر علیه انقلابیون و مبارزین و همچنین خانواده های آنان گفته شده: "ما خانواده‌ها در طی این سال‌ها تحت سخت‌ترین شرایط بوده‌ایم. عزیزانمان را زندانی کردند و ما تحمل کردیم. آن‌ها را شکنجه دادند و ما تاب آوردیم. اعدام آن‌ها را هم تحمل کردیم. نه از زمان محاکمه‌ی آن‌ها اطلاع داشتیم و نه کسانی که آن‌ها را محاکمه کردند دیدیم و نه جرم آن‌ها را فهمیدیم. بعد از اعدامشان نه وصیت‌نامه‌یی از آن‌ها دریافت کردیم و نه محل دفن‌شان را می‌دانستیم. پس از مدت‌ها جستجو گفتند که عزیزانمان را در گورهای فردی و یا دسته‌جمعی در خاوران دفن کرده‌اند. در طی این مدت ما خانواده‌ها را نیز همانند عزیزانمان مورد آذیت و آزار قرار دادند. ما را از ادامه تحصیل محروم کردند. از کار اخراجمان کردند و راه هرگونه ترقی و پیشرفت را بر ما بستند. خانواده‌هایمان پاشیده شد و در این میان کسانی سخته کردند و یا دیوانه شدند. عده زیادی مجبور به مهاجرت از مملکت خود شدند و در غربت دچار افسردگی، فقر و بیماری شدند..."

و در انتهای نامه خانواده های اعدام شدگان دهه ۶۰، نویسندگان نامه بر خواستهای برحق و عادلانه خود نظیر "پیگرد و محاکمه مسببین کشتارهای دهه‌ی شصت، به ویژه اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۶۷، اعلام اسامی دفن شدگان در گورستان خاوران، دریافت کیفرخواست این اعدام شدگان و افشای علت اعدام آنان، دریافت وصیت‌نامه اعدام شدگان، به رسمیت شناختن محل دفن آنان به عنوان گورستان خاوران، پیگرد و محاکمه‌ی کسانی که اقدام به تخریب خاوران و آزار خانواده‌ها می‌کنند، و بالاخره "بازگرداندن حقوق شهروندی خانواده‌ها و متوقف کردن هرگونه محدودیت و محرومیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در مورد آنان" و ... تاکید کرده اند.

در رویدادی دیگر، در بعد از ظهر روز ۳۰ اسفند تعدادی از خانواده های زندانیان

سیاسی با تجمع در مقابل زندان اوین در صدد برآمدند تا مراسم سال تحویل را به نشانه اعتراض به ظلم و سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی بر علیه عزیزانشان و در پشتیبانی از آنها در جلوی سیاهچال اوین برگزار کنند. در سالهای اخیر تجمع خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل زندان و چیدن سفره هفت سین به همراه عکس مبارزین و مخالفینی که در چنگال اهریمنان حاکم به سر می برند توسط خانواده های ایشان، کم عمل دارد به یک سنت نیکوی مبارزاتی و عملی در جهت افشای چهره کره و ضد خلقی جمهوری اسلامی تبدیل می شود.

سردمداران جنایتکار حکومت که تحمل کوچکترین مخالفت توده های مبارز و ستمدیده در مقابل اراده ضد خلقی و اعمال ظالمانه خود را ندارند، برای مقابله با حرکت اخیر، با گسیل نیروهای سرکوبگر خویش و حمله به تجمع خانواده های زندانیان سیاسی و سرکوب و آذیت و آزار آنان کوشیدند تا برنامه آن خانواده ها را برهم زده و مانع از آبروریزی هر چه وسیعتر خود شده و به این وسیله جلوی افشای چهره سیاه حکومت خویش در افکار عمومی را بگیرند. هجوم نیروهای سرکوبگر به تجمع خانواده ها با مقاومت و ایستادگی آنان روبرو شد و سرانجام برغم تمهیدات نیروهای سرکوبگر و دستگیری عده ای از تجمع کنندگان، خانواده های زندانیان سیاسی ایستادند و مراسم سال نورا به هر شکل برگزار کردند.

این رویداد ها بیانگر رسوایی دیگری برای رژیم است که می کوشد خود را "قدرت" و "آسیب ناپذیر" جلوه دهد، و این در حالی است که نمی تواند حتی تجمع ساده عده ای از خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل قلعه های پوشیده از غل و زنجیرش را هم تحمل کند و این امر ریشه بر اندام او انداخته و مجبورش می کند تا شمشیر سرکوب از نیام بیرون بکشد.

واقعیت این است که سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام بمنظور حفظ و بقای نظام استثمارگرانه حاکم، همواره جزء لاینجزای حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول ۳۰ سال گذشته بر علیه کارگران و زحمتکشان و خلفهای تحت ستم ما بوده است. سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی با اعمال سیستماتیک زور و قهر عریان و با کشتار مردم ما کوشیده اند تا هرگونه جنبش انقلابی و کمتر از آن هرگونه مخالفت با خود و نظام ضد خلقی حاکم را خفه ساخته و با ایجاد رعب و وحشت در میان توده ها حتی فکر درافتادن و ستیز با نظم ارتجاعی سیاه حاکم را سرکوب سازند. درست به همین دلیل است که در طول ۳۰ سال گذشته ما شاهد انجام مخوف ترین و وحشتناک ترین جنایات توسط استبداد حاکم بر علیه مردم بوده ایم که کشتار هزاران هزار تن از جوانان مبارز و انقلابی در دهه ۶۰ و دستگیری و شکنجه و زندانی ساختن دسته دسته از مخالفین و مبارزین تنها نمونه هایی از آن هستند. اما جمهوری اسلامی برغم تمامی این جنایات و برغم تاثیرات موقتی سیاست های سرکوبگرانه اش هیچگاه نتوانسته به اهداف دلخواه خود یعنی خفه کردن صدای اعتراض و در هم شکستن مقاومت مردم و برقراری سکوت قبرستان در کشور ما شود. در تمام طول این سالهای سیاه، مبارزات بی وقفه کارگران و توده های زحمتکش، جوانان، زنان، دانشجویان و خلفهای تحت ستم بر علیه این رژیم در ابعاد و سطوح گوناگون جریان داشته و در جریان این مبارزات، مقاومت‌های دلیرانه و وقفه ناپذیر خانواده های جانباختگان دهه ۶۰ و زندانیان سیاسی همچون گوهری می درخشد. نامه دردناک اما محکم خانواده های داغدیده جانباختگان دهه ۶۰ و اعلام جرم علنی آنها بر علیه سردمداران مزدور جمهوری اسلامی و حرکت دلیرانه خانواده های اسرای در چنگ رژیم در مقابل سیاهچال اوین در آغاز سال جدید جلوه هایی از این واقعیت را به نمایش می گذارند.

مرگ صد ها کارگر مهاجر... از صفحه ۴

غرق شدن صد ها کارگر در آبهای ایتالیا بار دیگر توجه افکار عمومی و انسانهای آزادیخواه را به شرایط ظالمانه سیستم سرمایه داری حاکم بر جهان و وضعیت وخیم کار و حیات کارگران مهاجر در چنین شرایطی جلب می کند.

سالانه بیش از ۱۰۰ هزار کارگر مهاجر در جستجوی یافتن کار در اروپا توسط قاچاقچیان از آب های دریای مدیترانه بطور غیر قانونی گذر میکنند و در ۱۰ سال گذشته نزدیک به ۱۰ هزار نفر کارگر جان خود را در این مسیر از دست داده اند. یکی از دلایل این امر سود جویی قاچاقچیبانی است که برای به جیب زدن شندرغاز پول کارگران و مهاجرانی که با فروش مال و منال خود جهت یافتن کار و تأمین زندگی خود و خانواده شان به چنین سفر های خطرناکی تن می دهند آنها را در تعدادی انبوه در قایق های کوچک چوبی که حتی برای صید ماهی هم امن نیستند و در بهترین حالت ظرفیت بیش از ۲۰ نفر را هم ندارند، چپانده و راهی این سفر خطرناک می کنند.

بدون شک مسئول مستقیم این فاجعه، نظام سرمایه داری و سیری ناپذیری سرمایه داران آزمند است که بیکاری و فقر را در اقصی نقاط جهان بر میلیون ها زن و مرد و کودک زحمتکش و تهیدست تحمیل کرده است. فقر و بیکاری و عدم امنیت اجتماعی که ناشی از کارکرد نظام گنبدیده سرمایه داری در سطح جهانی و بحرانهای اقتصادی آن است چنین فاجعه و مرگی را بر انسان هائی که تنها جرمشان تلاش جهت بدست آوردن لقمه ای نان و سیر کردن شکم خود و خانواده هایشان می باشد تحمیل کرده است. چنین سیستم استثمارگرانه ای ست که هر روز در هر گوشه ای از این دنیا جنایات جدیدی را بر علیه کارگران رقم میزند تا شاید طبقات استثمارگر حاکم بتوانند با غارت دسترنج زحمتکشان چند صباحی بیشتر به بقای نکت بازشان تداوم بخشند. فقر و رنجی که امروزه بر طبقه کارگر در سراسر جهان مستولی گشته است و چنین رویداد های فاجعه آمیزی نتیجه مستقیم سلطه نظام زالو صفت نظام سرمایه داری است. به همین دلیل محو این ستم ها و تمامی مصائب حاصل از آن در گرو مبارزات کارگران در سراسر جهان جهت نابودی سیستم استثمار گرانه کنونی و بوجود آوردن نظمی نوین یعنی استقرار سوسیالیسم در جامعه می باشد. کارگران جهان با شرکت هر چه فعالتر در مبارزه برای تحقق این آرمانها چیزی جز زنجیر هایشان برای از دست دادن ندارند. اما در صورت پیروزی دنیایی را بدست خواهند آورد.



جلوه ای از زد و بند های دولت عراق

با جمهوری اسلامی!

در هفته های اخیر ، متعاقب تحویل کنترل محل استقرار نیروهای سازمان مجاهدین خلق از طرف ارتش آمریکا به دولت عراق ، همان طور که انتظار می رفت با توجه به سیاست دولت ضد مردمی عراق مبنی بر بیرون راندن نیروهای سازمان مجاهدین از آن کشور ، این دولت در اقدامی آشکارا غیر انسانی به ایجاد محدودیت و فشار و اذیت و آزار نیروهای مجاهدین پرداخت. مطابق گزارشات انتشار یافته از سوی نهاد ها و خبرگزاری های مختلف ، ابعاد فشارهای دولت عراق ناخدا محاصره و کنترل مبادی ورود و خروج محل مزبور ، قطع ورود مواد خوراکی و سوخت به داخل آن محل ، تسخیر برخی ساختمان ها ، جلوگیری از ورود پزشکان و امکانات مورد نیاز پزشکی و بالاخره تهدید و صرب و شتم برخی از نیروهای مجاهدین بوده است.

مقامات دولت دست نشانده عراق در همین حال در یک رشته تبلیغات که انعکاسی از زد و بند هایشان با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است خواهان "اخراج" مجاهدین از عراق و حتی فرستادن نیروهای این سازمان به ایران و سپردن آنها به چنگال پلید رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی شده اند. بدیهی ست که پیشبرد این سیاست و اقدامات غیر انسانی بر علیه نیروهای مجاهدین که توسط حکومت دست نشانده عراق و در جهت تحقق خواست ها و سیاست های ضد خلقی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی صورت می گیرد باید توسط تمامی نیروهای آزادیخواه و انقلابی محکوم شده و افشا گردد.

از سوی دیگر وضعیت نگران کننده ای که در نتیجه تهدیدات و فشارهای ضد خلقی حکومت عراق برای ساکنین محل استقرار مجاهدین در عراق ایجاد شده بار دیگر بنیست سیاستی را به نمایش می گذارد که رهبری این سازمان در طول سال های مدید با بستن خود به ارایه سیاست های امپریالیست ها که دشمنی با توده های تحت ستم ما اساس آن سیاست ها را تشکیل می دهد، اتخاذ کرده است. این رهبری با باور به این که گویا امر رهایی و آزادی خلق های تحت ستم ما از قید سلطه شوم رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی از کانال بند و بست با قدرت های استعمارگر امپریالیستی می گذرد و نه از طریق یک انقلاب ضد امپریالیستی، عملا صف خود و نیروهایش را از صف کارگران و توده های ستمدیده جدا کرده است. بدیهی ست که با توجه به ماهیت ارتجاعی امپریالیست های فریبکار و برغم تمامی ادعاهای عوام فریبانه آنها در مدح "دمکراسی" و "آزادی" و "حقوق بشر" و غیره ، آن ها هیچ گاه منافع طبقاتی و مصالح خود را قربانی مصالح هیچ نیروی سیاسی و حتی بالاتر از آن، هیچ رژیم وابسته به خود نکرده و نخواهند کرد.

با در نظر داشتن چنین حقیقتی، اما بدیهی است که تمامی انسان ها و نیروهای دمکرات و آزادیخواه باید اقدامات غیر انسانی دولت عراق بر علیه نیروهای مجاهدین مستقر در عراق را که در خدمت سیاست های ضد خلقی دولت های سرکوبگر ایران و عراق فرار دارد را قاطعانه محکوم کرده و خواهان قطع فوری فشارهای دولت عراق به مجاهدین و برسمیت شناختن حق پناهندگی آنها گردند. با این پناهندگان باید بر اساس قوانین بین المللی ناظر بر حقوق پناهندگان و بدور از هر گونه فشار و تهدید نیروهای عراقی رفتار شود.

مرگ صد ها کارگر مهاجر

در دریای مدیترانه



شدت ازدحام در یکی از قایقهای حامل کارگران مهاجر در دریای مدیترانه!

جمعه ۲۷ مارس ۲۰۰۹ ، صدها تن از کارگران مهاجر که با آرزوی یافتن کار در ایتالیا از آفریقا و خاورمیانه با قایق های کهنه و از کار افتاده فاقد ابتدایی ترین وسایل ایمنی لازم بسوی این کشور حرکت کرده بودند مناسفانه در نزدیکی سواحل لیبی بر اثر طوفانی شدن دریا قایق هایشان غرق گردیده و جانیشان را از دست دادند.

این کارگران در حالی که اکثرا با صرف هزینه زیاد و به خطر انداختن جانیشان خانه و آشیانه خود را برای تامین امرار معاش خانواده خویش ترک کرده بودند در وحشتناکترین شرایط با در هم شکسته شدن قایق ها در آب های دریای مدیترانه جان باختند.

با اینکه بیشتر کشته شدگان مردان کارگر و مهاجر می باشند اما اجساد تعدادی زن و کودکی که همراه آنان بودند نیز در میان اجساد پیدا شده، مشاهده شده است.

خبر این فاجعه دردناک تا چند روز از طرف رسانه های جهانی با سکوت روبرو شد و تازه وقتیکه بعد از چند روز خبر را منتشر کردند مدعی شدند که تنها ۲۰ تا ۲۰۰ نفر کشته شده اند. اما ابعاد و عمق این فاجعه قابل کتمان نبود به شکلی که رسانه های تبلیغاتی بعد از مدتی مجبور به اعتراف به این مساله شدند که تعداد کشته شدگان احتمالا نزدیک به ۵۰۰ نفر می رسد و این در حالی است که یکی از قایق ها به کلی ناپدید شده است.

در صفحه ۲

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

jofq@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد کمونیزم!

